پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۴۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۲۴۹ـ۲۶۶ (مقاله پژوهشی)

No. 40, Spring & Summer 2020

مطالعه تطبیقی مصادیق «شاهد» و «بینه» در آیه‌ی ۱۷ سوره هود از منظر علامه طباطبایی و رشیدرضا

پریا نوری خسروشاهی[۱]، علی صفری[۲]، مهدی قهرمان[۳]، سیدمجید نبوی[٤]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۲/۱۰ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۳/۱۱)

چکیده

آیه ۱۷ سوره هود از جمله آیاتی است که به دلیل ارتباط آن با ولایتِ امام علی (ع) و نیز ابهام در مصادیق واژگان «شاهد»، «بینه» و «صاحب بینه» در میان دانشمندان مورد بحث قرار گرفته است. گردآوری اطلاعات در این مقاله کتابخانه‌ای و پردازش آن‌ها به روش تطبیقی و تحلیلی است. در این مقاله پس از بررسی مبانی فکری و اعتقادی و رویکرد علامه طباطبایی و رشیدرضا و نیز بستر و پیشینه‌ی فکری این دو مفسر شیعه و سنی، به مصادیق واژه‌های مذکور پرداخته شده است. بر این اساس علامه طباطبایی با تکیه بر ادله برون متنی و درون متنی بر این باور است که مصداق «شاهد» از باب تطبیق، امام علی(ع) بوده و مراد از «بینه» مطلق بصیرت الهی می‌باشد و نیز جمله «أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ» را منطبق بر رسول‌خدا(ص) دانسته و «صاحب بینه» را منحصر در رسول خدا نمی‌داند. در مقابل، رشیدرضا «بینه» را به معنای حجت عقلی و نور فطری دانسته و معتقد است که مراد از «صاحب بینه» کسانی هستند که در زندگی خود چیزی غیر از لذات و زینتهای دنیا را نمی‌خواهند. همچنین او یکی از مصادیق «شاهد» را قرآن دانسته است.

کلید واژه‌ها: *شاهد، بینه، صاحب بینه، علامه طباطبایی، رشیدرضا، مطالعه تطبیقی.*

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف؛ گرایش قرآن و متون اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث (پردیس تهران)، (نویسنده مسئول)، P.noorikh@gmail.com
۲. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران، Safari.1385@yahoo.com
۳. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی سهند تبریز، Mahdi_sut@yahoo.com
۴. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، majidnabavi1366@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

۱. بیان مسئله

از سده‌های نخستین حیات جامعه اسلامی تا عصر حاضر، اختلاف برداشت‌ها از آیات الهی قرآن امری رایج در میان دانشمندان بوده‌است. از مهترین علل اختلاف برداشت‌ها می‌توان به اختلاف در مبانی، رویکردها، روشهای تفسیری، پیشینه و بستر معرفی مفسران اشاره کرد. بر همین اساس برخی از آیات حوزه‌ی فضایل اهل بیت، به گونه ای تفسیر شده‌اند که کاملا با تفاسیر شیعی متفاوت و متناقض هستند. آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی هود که از آیات مرتبط با ولایت به حساب می‌آید، از جمله‌ی این آیات است. که خداوند در این آیه می‌فرماید: «**أَ فَمَنْ كانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتابُ مُوسى إِماماً وَ رَحْمَةً أُولئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يُؤْمِنُون**؛ آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و شاهدی از (خویشان) او، پیرو آن است، و پیش از وی (نیز) کتاب موسی راهبر و مایه رحمت بوده است (دروغ می‌بافد)؟ آنان (که در جستجوی حقیقت‌اند) به آن می‌گروند، و هر کس از گروه‌های (مخالف) به آن کفر ورزد آتش وعده‌گاه اوست. پس در آن تردید مکن که آن حقّ است (و) از جانب پروردگارت (آمده‌است) ولی بیشتر مردم باور نمی‌کنند» (هود، ۱۷).

شیعه همواره این آیه را شاهدی بر حقانیت امام علی (ع) (و به تبع آن ائمه(ع)) دانسته است. (قندوزی حنفی، ۳۲۵/۳؛ کوفی، ۱۹۱؛ کلینی، ۱۹۰/۱). از آن‌جایی که شیعیان تنها گروهی هستند که ولایت و امامت را از مهم‌ترین ارکان دین و شاخصهٔ مذهب خویش برمی‌شمرند. (ابن بابویه، ۹۳؛ مفید، ۳۹؛ مظفر، ۶۵-۶۶) معتقدند خلافت امری الهی و در محدوده‌ی افعال الهی است. (حلی، ۱۷۵؛ ابن میثم بحرانی، ۱۸۱) اما اهل سنت، مصادیق متفاوتی برای «بینه»، «شاهد» و «صاحب بینه» ذکر کرده‌اند، این مقاله در صدد آن است که با روش تطبیقی و تحلیلی به بررسی مصادیق «بینه»، «صاحب بینه» و «شاهد» با استناد به

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

ادله آن‌ها از منظر دو تفسیر «المیزان فی تفسیر القرآن» از علامه طباطبایی و تفسیر «القرآن الحکیم» معروف به تفسیر «المنار» رشیدرضا، پرداخته و به این سوالات پاسخ بدهد، که «بینه» به چه معنا بوده و مصداق آن از دیدگاه علامه طباطبایی و رشیدرضا کیست و یا چیست؟ مصداق «صاحب بینه» با استناد به ادله‌ی دو مفسر چه کسی است؟ و نیز مصادیق «شاهد» در آیه مذکور به چه کسی تعلق دارد؟

انتخاب این دو تفسیر برای بررسی تطبیقی و مقارن، بر این عنوان استوار بوده است؛ که این تفاسیر (به ویژه بخش‌های مربوط به محمد عبده در «المنار») در زمره تفسیرهای اصلاحی در یک عصر جای می‌گیرد که به مسائل زمان و پرسش های برون دینی درباره اسلام و قرآن و از جمله نظام‌مندی معارف و آموزه‌های قرآنی به مثابه سند نبوت پیامبر(ص) و کتاب قانون و برنامه زندگی مسلمانان توجه داشته و پاسخ داده‌است و دیگر آن‌که علامه طباطبایی در نگارش «المیزان» به تفسیر «المنار» توجه داشته است و هر چند در بسیاری از مباحث، به این تفسیر، نگاه انتقادی داشته و نقاط ضعف «المنار»، مخصوصا افزوده‌های رشید رضا بر این تفسیر را نشان داده‌است. اما به هر حال، همین توجه علامه به این اثر قرآنی، خود نشانگر اهمیت و منزلت و احیاناً اثرپذیری و یا دست کم الهام‌گیری در برخی از ساحت‌ها ست؛ که می‌تواند بستر و توجیهی برای نگاه مقارن به این تفاسیر باشد.

بنابراین مقاله حاضر به مطالعه‌ی تطبیقی آیه ۱۷ هود از منظر علامه و رشیدرضا می‌پردازد این مقاله با مقالات مشابه آن[۱] به لحاظ مسئله و موضوع متفاوت است. همچنین

---

۱. در مورد پیشینه‌ی مقاله حاضر، می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد:

۱- بررسی تطبیقی دیدگاه مفسران درباره مصداق شاهد هود: ۱۷، نوشته حامد دژآباد، پژوهشنامه ثقلین.

۲- وجوه مختلف ادبی در عبارت آغازین آیه ۲۷ سوره هود و بازتاب آن در تفسیر عبارت شاهد منه، نوشته محمد سیاه منصوری نشریه تحقیقات علوم قرآن و حدیث.

در هیچ کدام از این دو مقاله، هرچند در عنوان آنها واژه بررسی تطبیقی به کار رفته است، از روش صحیح تطبیق استفاده نشده است. به عبارت دیگر در مقالات نام برده، اختلاف و تشابه نظرات بین مفسران ذکر شده است اما به بخش اهم روش تطبیقی که بررسی بستر و پیشینه‌ی مفسران و پرداختن به سوالات آنها می‌باشد، پرداخته نشده‌است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

این مقاله، با توجه به فواید روش تطبیقی سعی دارد، یک نظر را بر نظرات دیگر ترجیح داده و دیدگاه صحیح را با توجه به ادله متقن برگزیند.

یکی دیگر از تفاوت‌های این مقاله با سایر مقالات تطبیقی، عبور از تشابه و تفاوت ظاهری نظرات دو مفسر و رسیدن به مواضع خلاف واقعی و ریشه‌یابی آن‌ها است.

۲. مقدمه

پیش از ورود به بحث، ضرورت دارد که مبانی معرفتی کلامی علامه طباطبایی و سیدمحمد رشیدرضا و مفاهیم لغوی مرتبط با آیه ۱۷ هود، بررسی شود سپس به بحث اصلی پرداخته شود.

۲-۱. مبانی معرفتی کلامی علامه طباطبایی و سیدمحمد رشیدرضا

از آن‌جا که نتایج تفسیری علامه و رشیدرضا در مواردی خصوصا آیه مورد بحث، تفاوتهایی دارد برای فهم بیشتر و بهتر این اختلافات، ضروری است که به پیشینه و مبانی معرفتی و کلامی این دو مفسر به صورت اجمالی اشاره شود تا اطلاعاتی در این باره از این دو مفسر به دست بیاید و علت برخی اختلافات آن‌ها مشخص شود. در ادامه به بررسی این مسئله خواهیم پرداخت.

۲-۱-۱. مبانی معرفتی کلامی علامه طباطبایی

پیشینه و بستر معرفتی علامه را می‌توان در تاثیری‌پذیری آرای ایشان از اعتقادات کلامی شیعی دانست؛ از جمله اعتقادات کلامی علامه، اعتقاد به عصمت انبیا و در امتداد عصمت انبیاء، عصمت ائمه اطهار و نصب الهی اهل بیت و عدل الهی، می‌باشد. این اعتقادات در آرای قرآنی علامه زمانی مشهودتر می‌شود که تفسیر آیات متشابه در المیزان ملاحظه شود، به عبارت دیگر، علاوه بر اینکه آیات محکم در المیزان با مبانی کلامی شیعی تفسیر می‌شود؛ در آیات متشابه نیز وزنه تفسیر به سمت اعتقادات شیعی گرایش پیدا می‌کند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

به خاطر همین اعتقادات شیعی که در تفسیر قرآن کاملا مشهود است؛ برخی بر این باورند که المیزان یک دوره عقاید تفصیلی (اسلامی و شیعی) با محوریت قرآن است. (غنامی، ۵۳) و مقدمه المیزان نیز بیانگر همین مسئله است. (طباطبایی، ۱۳/۱).

علامه در تبیین مصادیق «بینه» و علی الخصوص مصداق تطبیقی «شاهد» -که محل بحث ما در مقاله حاضر است - با همین رویکرد کلامی شیعه که برگرفته از روایات است به تفسیر پرداخته‌است. «همسویی کارکرد عقل و دین» نقطه عزیمت علامه طباطبایی برای حل مسائل گوناگون دینی بر اساس این اصل اصیل است. (طباطبایی، ۳۷۵/۲) همچنین علامه به عدم مخالفت عقل با شرع اشاره و تاکید دارد. (همانجا، ۲۲۲/۲)

علامه به سیاق آیات و ارتباط کلی آیات با یکدیگر، توجه ویژه‌ای دارد برای مثال او در ذیل آیه «**أَ فَمَنْ كانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِه...**» در بخش بیان آیات چنین می‌نویسد: «از ظاهر این آیات برمی‌آید که در زمینه دلخوش کردن رسول خدا (ص) و تقویت ایمان آن جناب به کتاب خدا و تاکید بصیرتش نسبت به وظیفه‌اش سخن دارد. پس سیاق کلام در این آیات سیاق خطاب به رسول خدا (ص) است...» (طباطبایی، ۱۴۷/۱۰) با این توضیح می‌توان پی برد، علامه به ارتباط کلی آیات با یکدیگر اهمیت فراوان داده و در بیان معانی بسیاری از آیات به سیاق استناد می‌کند. (بابائی، ۱۲۴)

درباره اشتراکات بین علامه و رشیدرضا می‌توان گفت که یکی از نکات مشترک بین این دو، مسئله‌ی وحدت موضوعی سوره‌های قرآن و به عبارت دیگر «انسجام و پیوستگی آیات» است. (رشیدرضا، ۲۰/۱)

از دیگر اشتراکات این دو مفسر عقلگرایی است اما علامه در عقلگرایی در تفسیر برتر از رشیدرضا به نظر می‌رسد (معرفت، ۴۸۱/۲-۴۸۲).

همچنین هر دو مفسر اگر چه آزاد اندیش و دارای بینش سیاسی هستند و تعهد دفاع از اسلام در برابر تهاجم بیگانگان را دارند، از اختلافات بین مسلمانان تا اندازه‌ای می‌کاهند و به وحدت مسلمانان کمک می‌کنند و هر دو در تفسیر از آیات قرآن کمک می‌گیرند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

۲-۱-۲. مبانی معرفتی کلامی سیدمحمد رشیدرضا

مبانی معرفتی کلامی رشید رضا را می‌توان برگرفته از برخی دیدگاه‌های معتزله دانست همچنین او متاثر از افرادی چون ابن تیمیه، ابن قیم، غزالی، ابن کثیر، محمدبن عبدالوهاب، سیدجمال الدین اسدآبادی و عبده می‌باشد.

با توجه به فعالیت‌های اجتماعی سیدجمال الدین اسد آبادی در مصر و نگاهی نو به تعالیم قرآن و اسلام و افرادی چون شیخ محمد عبده متمایل به آراء سیدجمال الدین شدند عبده که شاگرد سیدجمال بود، نهضت او را ادامه داده و تفسیری با گرایش اجتماعی به وجود آورد پس از او رشیدرضا تفسیر المنار را که بخشی از آن برای عبده است و بخش دیگرش نوشته خود می‌باشد؛ منتشر کرد.

او در این تفسیر از پرداختن به روایات اسرائیلی و جعلی خودداری می‌کند، به عقل و علوم تجربی قطعی اهمیت می‌دهد رشیدرضا رهبری جریان اصلاح طلب دینی در مصر را بر عهده داشت. برخی از دیدگاه‌های ابن تیمیه و سلفیه را می‌توان در المنار دید. همچنین او به وحدت میان مسلمانان گرایش دارد که این دیدگاه او متاثر از سیدجمال و عبده می‌باشد.

هرچند عبده، در اندیشه‌های اصلاحی متعادل‌تر از رشیدرضا عمل نموده است اما رشیدرضا برخلاف عبده، راه افراط را پیش گرفته است. او با تکیه بر نگرش سلفی و آثار ابن تیمیه در بعد کلامی از یک سو و آرای خاص مذهبی در بعد فقهی از سوی دیگر جریان تفسیر اجتماعی عقلی را به رویکرد سلفی وهابی متمایل کرده‌است (اسعدی، ۴۷۶/۲). برخی باورها و مبانی اعتقادی رشیدرضا را می‌توان در ترویج اندیشه‌هایی همچون: نفی شفاعت، (رشیدرضا، ۳۰۷/۱) توسل، (همان، ۸۳/۱) نذر، دعا، زیارت قبور انبیا (همان، ۲۶۸/۸) و غیره تحت عنوان مبارزه با خرافات و شرک برشمرد همچنین او علیه شیعیان و باورهای شیعی در تفسیر خود مطالبی ارائه می‌دهد و روایات وارده شده در شأن اهل بیت از قبیل آیه مباهله، تبلیغ، و نیز همین آیه مورد بحث و... را مسکوت می‌گذارد. این رویکرد او، تفسیر المنار را از مرتبه تفسیر پیشتاز و روشن اندیش تا مرز سلفی‌گری تنزل داده‌است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

۲-۲. مفاهیم لغوی بینه و شاهد

باتوجه به اینکه آیه مورد بحث دارای دو واژۀ کلیدی است ضرورت دارد قبل از ورود به بحث معنای این دو واژه کاملا روشن شده و سپس به بحث اصلی پرداخته شود.

۲-۱. مفهوم «بینه»

بینه در کتب لغت به معنای روشن و آشکار آمده‌است (مصطفوی، ۳۴۸/۱). بینه بدون موصوف، به معنای حجت، گواه و دلیل، شهادت در دعاوی (ثقفی، ۷۲۳/۲)، حجت و استدلال محکم می‌باشد. (همانجا، ۴۰۳/۲؛ ابومخنف، ۳۱۲؛ نصربن مزاحم، ۳۱۵).

بینه از «بان ـ یبین» دارای پیشینه‌ای قدیم، در دیگر زبان‌های سامی از جمله عبری، آرامی، سریانی، حبشی است و غالباً به معنای جدا، متمایز و مجزا شدن، واضح و شفاف سخن گفتن و تشخیص دادن به کار رفته‌است. (مشکور، ۹۳/۱-۹۴) بر این اساس، در زبانهای سامی، «تمایز» از مهم‌ترین مؤلفه‌های معنایی این واژه به شمار می‌رود. در زبان عربی هم که معنای این واژه عمدتاً «آشکارشدن» آمده‌است. (ازهری، ۴۹۵/۱۵-۴۹۶)

بیشترین کاربرد بر معنای «آشکاری حاصل از تفکیک و تمایز میان دو چیز مشابه» متمرکز بوده‌است (شریف‌رضی، ۵۷؛ طوسی، ۴۴۹/۴؛ مصطفوی، ۳۴۷/۱-۳۴۸).

واژۀ بینه و جمع آن بینات ۷۱بار در قرآن کریم به کار رفته که از آن میان، ۵۴ بار کاربرد اسمی داشته که با دور شدن از کاربرد وصفی، به اصطلاحی قرآنی گراییده‌است. این واژه غالباً با آنچه پیامبران به مردم ارائه کرده اند، ارتباط دارد؛ اما گاه این مفهوم گسترش یافته، و به معنای بصیرت، بینش عمیق و قدرت تشخیصی که خدا به برخی از انسانها موهبت می‌کند، آمده‌است. واژۀ قرآنی بینه در حالت مفرد، غالباً به معنای دلیلی‌است که موجب دانش و بصیرت می‌شود. (مثلاً نکـ : الانعام، ۵۷؛ الانفال، ۴۲؛ هود، ۲۸)؛

به‌طور کلی مفسران سده‌های نخستین بینه را به معنای بصیرت و بینش، حلال و حرام، بیانی از سوی خدا، امر و نهی الهی، فرایض و حدود، عامل رفع شبهات و موجبات

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

گمراهی، خبر عذاب، برهان و استدلال و نشانه‌های پیامبری یک پیامبر بدون به کـار بـردن واژۀ معجزه تفسیر کرده‌اند. (مقاتل، ۱۶۰/۱-۱۲۱؛ طبری، ۶۳/۱۲)

۲-۲. مفهوم شاهد

واژه‌های «شَاهِد و شَهِید و شُهَدَاء» هر سـه در یـک معنـی، یعنـی حضـوری همـراه بـا مشاهده، استعمال شده‌اند. همانطوری که در آیات: «وَ لا يَأْبَ الشُّهَداءُ» (البقـره، ۲۸۲) و «وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ» (البقره، ۲۸۲) به کار رفته‌است. گاهی از معنی واژه «شهادة» به حکـم و داوری تعبیر می‌شود؛ مثل: «وَ شَهِدَ شاهِدٌ مِنْ أَهْلِها» (یوسف، ۲۶) و همچنین واژه «شـهاده» در معنی اقرار، در آیه: «وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَداءُ إِلَّا أَنْفُسُـهُمْ فَشَـهادَةُ أَحَـدِهِمْ أَرْبَـعُ شَـهاداتٍ بِاللَّـهِ» (النور، ۶) نیز استعمال شده‌است. (راغب اصفهانی، ۴۶۶) از طرفی گفته شده، شهادت یعنی فردی به آنچه نزدش است گواهی دهد، «ادی ما عنده مـن الشـهاد». مرحلـه حضـور عبارت است از شهود که مصدر است به معنای حاضر بودن و مرتبه معاینه هم یعنـی همـان دیدن و همان مشاهده. (ابن منظور، ۲۳۹/۳-۲۴۱).

شهادت اخص از علم است، زیرا شهادت علم بدون واسطه به وجود اشیاء است، نه علم با وساطت شیء دیگر. (عسکری، ۸۸) در تقسیم اولیه شهادت به دو نوع در دنیا و آخـرت تقسیم می‌شوند، نوع شهادت در دنیا هم به دو نوع مشاهدی ملازم شاهد بودن و حضـوری ملازم مشهود بودن برمی‌خوریم و در نوع آخرت به نوع شـهادت دادن کسـانی بـه اعمـال قومشان مواجه می‌گردیم: قول خداوند متعال که می‌فرماید: «وَ نَزَعْنا مِـنْ كُـلِّ أُمَّـةٍ شَـهِيداً فَقُلْنا هاتُوا بُرْهانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ ما كانُوا يَفْتَرُون» (القصـص، ۷۵) و نیـز آیه‌ی «فَكَيْفَ إِذا جِئْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنا بِكَ عَلى هؤُلاءِ شَهِيداً» (النساء، ۴۱).

۳. دیدگاه‌های علامه طباطبایی و رشید رضا درباره بینه و صاحب بینه

دو سوال اساسی در مورد آیه «أَفَمَنْ كانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّه..» (هود/۱۷)، مطرح است. که پاسـخ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

به آن مفهوم آیه را روشن می‌کند؛ اول اینکه بینه چیست؟ و دوم اینکه صاحب بینه کیست؟ هر یک از دو مفسر مورد نظر، درباره آیه نظراتی ارائه داده‌اند که به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱. دیدگاه‌های علامه طباطبایی درباره بینه و صاحب بینه

علامه طباطبایی بر این باور است که «بینه» در آیه‌ی «**أَفَمَنْ كانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّه..**» (هود، ۱۷)، صفت مشبهه بوده و معنایش دلیل ظاهر و واضح است، او معتقد است همانگونه که بسیاری از امور واضح و ظاهر، ظهورشان به قدری است که، هر چیزی متعلق به آنها شود آن را نیز روشن می‌سازند؛ از این‌رو واژه «بینه» درباره‌ی چیزهایی استعمال می‌شود که به وسیله آن، چیزهای دیگر روشن و واضح می‌گردد، مانند کلمه حجت و آیت که از آن دو، تعبیر به «بینه» می‌شود.

او برای این سخن خود به آیات قرآنی که حجت و آیت را بینه خوانده‌اند، استناد می‌کند (الانفال، ۴۲) و (الاعراف، ۷۳) و به بصیرت خاص الهی که خدای تعالی آن را به انبیاء خود اختصاص داده و آن را بینه خوانده اشاره می‌کند (هود، ۲۸) و معتقد است در قرآن به مطلق بصیرت الهی بینه اطلاق شده‌است. (محمد، ۱۴)

علامه با توجه به توضیحات ذکر شده، «بینه» در آیه: «**أَ فَمَنْ كانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ ...**» را به معنای بصیرت الهی دانسته و جمله مذکور را منطبق بر رسول خدا(ص) می‌داند. و در ادامه می‌گوید: «ظاهرا منظور از بینه در آیه مورد بحث به قرینه مقامی که این آیه دارد (منطبق با رسول خدا هست اما) اختصاص به انبیاء ندارد، بلکه عمومی است. قرینه و دلیل این معنا جمله بعد از جمله مورد بحث است که می‌فرماید: «**أُولئِکَ يُؤْمِنُونَ بِهِ**»، هر چند که از نظر مورد، تنها رسول خدا(ص) منظور است، چون کلام در زمینه‌ای است که جمله «**فَلا تَکُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ**» بر آن زمینه متفرع می‌شود.[۱]

---

۱. برای اینکه این درست نیست که به آن جناب بفرماید: تو دارای قرآنی هستی که از ناحیه پروردگارت به تو داده شده پس در آن تردید مکن، و این بر کسی پوشیده نیست.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

در نتیجه منظور از بینه، آن بصیرت الهی است که خدای تعالی، به نفس رسول اللّه(ص) داده بود، نه خود قرآن کریمی که بر آن جناب نازل فرمود؛ به این دلیل که اگر منظور، قرآن بود؛ متفرع شده جمله‌ی «فَلا تَکُ فِی مِرْیَةٍ مِنْهُ» بر آن، نادرست بود. (طباطبایی، ۱۸۳/۱۰)

در ادامه علامه طباطبایی، با استناد به ادله‌ی نقلی (ظاهر آیات قرآن) عدم تنافی و تناقض اطلاق واژه «بینه» به معانی مختلف را ذکر می‌کند: «اینکه مصداق «بینه» در آیه‌ی «قُلْ إِنِّی عَلی بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّی وَ کَذَّبْتُمْ بِهِ» (الانعام، ۵۷) قرآن است، در حالیکه، در آیه مورد بحث به معنای بصیرت است، نه به معنای قرآن؛ به این دلیل است که، آیه مورد بحث در مقامی است و آیه سوره انعام در مقامی دیگر.

علامه به نقد کسانی که کلمه «بینة» را قرآن (آلوسی، ۲۲۸/۶؛ غرناطی، ۳۶۷/۱؛ اندلسی، ۱۳۴/۶؛ طبرسی، ۲۲۵/۵). و یا حجت، عقل دانسته‌اند. (طبرسی، ۲۲۶/۵) می‌پردازد و می‌گوید: وجه نادرستی این عقاید این است که، اولا دلیلی بر این تخصیص نیست، ثانیا بینه‌ای را که از ناحیه خدای تعالی برای رسول گرامیش قائم می‌شود، نباید با تعریف الهی که برای ما و از ناحیه عقول ما قائم می‌شود، مقایسه نمود. (طباطبایی، ۱۸۴/۱۰) لذا علامه در نقد دیدگاه کسانی که می‌گویند: منظور از کلمه «من کان ...» خصوص رسول خدا(ص) است، به این معنا که اراده استعمالی، آن جناب را مخصوص نموده است، (طبرسی، ۱۳۰/۳)، می‌گوید: (این سخن) سخن درستی نیست، و اگر منظور، آن حضرت هست به این دلیل است که مورد با آن جناب منطبق می‌باشد؛ همچنین علامه سخن بعضی از افراد که، معتقدند: منظور از این جمله خصوص مؤمنین از اصحاب رسول خدا(ص) هستند، (طبرسی،۱۳۱/۳) واکنش نشان داده و می‌گوید: این سخن نیز قابل نقد و مطرود است، زیرا دلیلی که این تخصیص را برساند در دست نیست. (طباطبایی،۱۸۴/۱۰)

۳-۲. دیدگاه‌های رشید رضا درباره بینه و صاحب بینه

رشیدرضا بر این باور است که بینه به معنای داشتن حجت و دلیل از جانب خدا و تصمیم گیری با بصیرت در ایمان آوردن به خدا و دعوت به خدا است. او بینه را به معنای

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

هر چیزی که به وسیله آن حق از باطل جدا می‌شود. مانند: برهان در عقلیات، نصوص در نقلیات، معجزات در الهیات، تجربه‌ها در حسیات و شهادات در قضائیات و استقرا در اثبات کلیات، می‌داند. او برای این استدلال خود به این آیه قرآن که فرموده: «همه پیامبران با بینه آمده‌اند و هر پیامبری اینگونه به قومش احتجاج کرده که من دارای بینه‌ای از طرف خدا هستم.» (رشیدرضا، ۵۰/۱۲-۵۱) استناد می‌کند.

رشیدرضا بینه‌های انبیا را به دو قسم تقسیم می‌کند: ۱. حجت‌ها و دلایل عقلی ۲. آیات کونی و تکوینی، و کسانی که با بینه‌های پیامبر قانع نشدند و گفتند (ما جئتنا ببینة؛ بینه ای برای ما آورده نشده‌است) و کسانی که آیه کونیه را بعد از تحدی و انذار انکار کردند، با عذاب استیصال هلاک می‌شوند.[۱] می‌توان همه ی مطالب مذکور را به صورت مفصل در داستانهای این سوره یافت. (رشیدرضا، ۵۰/۱۲-۵۱)

اما درباره صاحب بینه باید گفت که اکثر مفسران اهل سنت صاحب بینه را پیامبر(ص) دانسته‌اند. (رازی، ۳۳۰/۱۷؛ ۳۲. بغوی، ۴۴۲/۲؛ ابن جوزی، ۳۶۲/۲؛ مقاتل، ۲۷۵/۲؛ بیضاوی، ۱۳۱/۳) ولی از نظر رشیدرضا صاحب بینه دو وجه دارد:

او درباره وجه اول می‌گوید: منظور از صاحب بینه کسانی هستند که از زندگی خود چیزی غیر از لذات و زینتهای دنیا را نمی‌خواهند و بینه همان نور فطری و حجت عقلی است که انسان با آن حق و باطل و هدایت و ضلالت را از هم جدا می‌کند. و معنا این می‌شود که آیا کسی که دارای دلیل روشن و بصیرت از جانب پروردگار خویش است. مثل آیه: «أَ فَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ فَهُوَ عَلى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ» (الزمر، ۲۲)

رشیدرضا درباره وجه دوم هم می‌گوید: مراد از صاحب بینه رسول الله(ص) است و مراد از بینه می‌تواند علم یقینی و ضروری پیامبر بر نبوت خود باشد؛ که مانند آن در همین سوره در حکایت حضرت نوح، صالح، شعیب در آیات ۲۸، ۶۳ و ۸۸ خواهد آمد، و نیز

---

۱. عذاب استیصال: به مجازات‌هایی گفته می شود که برای نابودی اقوام سرکش به هنگامی که هیچ وسیلهٔ بیداری در آن‌ها مؤثر واقع نگردد، نازل می شود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

شاهدی که از طرف خدا می‌آید، قرآن است. بر اساس این توضیحات، صاحب بینه، مصادیق «بینه» و «شاهد» نیز طبق نظر رشیدرضا مشخص می‌شود. البته در این موردکه، مراد از «صاحب بینه» معتقد است که با استناد به ادامه‌ی آیه، وجه اول- نسبت به وجه دوم- وضوح بیشتری در دلالت بر مصادیق را دارد. (رشیدرضا، ۵۴/۱۲)

٤. دیدگاه‌های علامه طباطبایی و رشید رضا درباره شاهد

کلمه شاهد و مصداق آن یکی از کلیدی‌ترین بحث‌ها در این آیه است که با روشن شدن مصداق آن، مفهوم آیه مشخص می‌شود. هر یک از این دو مفسر نظرات متفاوتی درباره شاهد ارائه کرده‌اند که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

٤-١. دیدگاه‌های علامه طباطبایی درباره شاهد

علامه طباطبایی، مقصود از «شاهد» را از باب تطبیق (نه استعمال) علی بن ابی طالب(ع) می‌داند و این نظر را به جمهور شیعه و اهل سنت منسوب می‌کند. آن‌گاه بیان می‌دارد که مصادیق دیگری که برخی از اهل سنت ذیل لفظ «شاهد» ذکر کرده‌اند، به دلیل مخالفت با سیاق و ظاهر آیات، باطل است. ایشان به روایاتی از شیعه و اهل سنت برای تصدیق دیدگاه خویش استناد می‌کند. از جمله این روایت که امیرالمومنین(ع) فرمود: «**مَا مِنْ رَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ إِلَّا نَزَلَ فِيهِ طَائِفَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: مَا نَزَلَ فِيكَ قَالَ: أَ مَا تَقْرَأُ سُورَةَ هُودٍ: (أَ فَمَنْ كانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ) رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ أَنَا شَاهِدٌ مِنْهُ**» و نیز این روایت: «و أخرج ابن مردویه و ابن عساکر عن علی رضی الله عنه فی الآیة قال رسول الله صلی بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ و أنا شاهِدٌ مِنْه.» (ابن عقده کوفی، ۱۹۳؛ حسکانی، ۳۶۳/۱؛ سیوطی، ۳۲۴/۳) علامه طباطبایی راویان سنی این روایات را بیشتر از راویان شیعه دانسته‌است. (طباطبایی، ۱۹۶/۱۰)

بنابر سخن علامه می‌توان به بطلان ادعای رشیدرضا مبنی بر این‌که مصادر روایاتی که

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

مصداق «شاهد» را امام علی (ع) می‌دانند، شیعی است، پی برد. لذا بسیاری از اهل سنت همچون شیعه این روایات را در کتب خود ذکر کرده‌اند. ادعای رشیدرضا در ادامه و ذیل عنوان مورد نظر خواهد آمد.

همچنین علامه براساس آیه‌ی «**وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلاً قُلْ كَفى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَ كُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ**» (الرعد، ۴۳) و روایات وارده، مقصود از عبارت «**مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ**» که یکی از شاهدان رسول خدا(ص) است، امام علی(ع) دانسته است.[۱] علامه روایات شیعه و اهل سنت را در این زمینه بررسی کرده، سپس به اثبات این مطلب که آیه مورد نظر درباره‌ی امیرالمومنین(ع) است؛ می‌پردازد (طباطبایی، ۳۸۷/۱۱؛ بحرانی، ۹۴/۳).

٤-۲. دیدگاه‌های رشیدرضا درباره شاهد

رشیدرضا به نقد برخی از مفسران اهل سنت که مصداق «شاهد» را ابوبکر دانسته‌اند؛ (اندلسی، ۱۳۵/۶؛ آلوسی، ۲۲۹/۶) می‌پردازد او این روایت را ساخته‌ی مخالفان شیعه دانسته که آنها را در تقابل با روایات امیر المومنین(ع) جعل کرده‌اند. «الذی کان یتلوه به علی الناس «و منها» انه علی (رض) یرویه الشیعة و یفسرونه بالامامه... . و قابلهم خصومهم بمثلها فقالوا انه ابوبکر» (رشیدرضا، ۵۴/۱۲).

همچنین او به نقد مفسرانی که گفته‌اند: شاهد، علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) است، می‌پردازد (طبرسی، ۱۳۰/۳؛ طبری، ۱۱/۱۲) او برای اثبات این ادعای خود به روایتی استناد می‌کند که در آن از امام علی(ع) سوال شده‌است، که منظور از شاهد ایشان هستند؛ آن حضرت انکار کرد و فرمود مراد از شاهد زبان پیامبر است «روی انه کرم اللّه وجهه (علی بن ابی طالب(ع) سئل عنه فأنکره و فسره بأنه لسانه (ص)» (رشیدرضا، ۵۳/۱۲) این روایت را

---

۱. وَ رَوَى ابْنُ الْمَغَازِلِيِّ الشَّافِعِيُّ: بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَابِسٍ، قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبُو مَرْيَمَ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ، قَالَ أَبُومَرْيَمَ: حَدِّثْ عَلِيّاً بِالْحَدِيثِ الَّذِي حَدَّثْتَنِي بِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ(ع) قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ(ع) جَالِساً إِذْ مَرَّ عَلَيْنَا ابْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، هَذَا ابْنُ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ؟ قَالَ: «لَا، وَ لَكِنَّهُ صَاحِبُكُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ(ع) الَّذِي نَزَّلَتْ فِيهِ آيَاتٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى: وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (الرعد، ۴۳) أَفَمَنْ كانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ، إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ (المائده، ۵۵) الْآيَةَ» (ابن المغازلی، ۳۵۸؛ اربلی، ۳۰۸۷/۱).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

دیگر مفسران اهل سنت نیز نقل کرده‌اند (رازی، ۳۲۹/۱۷؛ آلوسی، ۲۲۹/۶؛ بغدادی، ۴۷۸/۲؛ سیوطی، ۳۲۴/۳؛ قرطبی، ۱۶/۱۰؛ طبری، ۱۰/۱۲؛ ابن ابی حاتم، ۲۰۱۴/۶).

رشیدرضا یکی از مصادیق شاهد را قرآن می‌داند (رشیدرضا، ۵۳/۱۲) مفسران پیش از او نیز قرآن را مصداق شاهد دانسته‌اند. (زمخشری، ۳۸۵/۲؛ طبرسی، ۱۳۰/۳)، یکی دیگر از مصادیق شاهد از منظر رشید رضا جبرئیل است (رشیدرضا، همانجا).

بنابراین، رشیدرضا روایاتی که مربوط به امیرالمومنین و اخبار مربوط به ابوبکر را صحیح ندانسته و قرآن و جبرئیل را مصداق شاهد معرفی می‌کند.

۵. ارزیابی دو دیدگاه

پس از بیان دیدگاه‌های دو مفسر ارزیابی نظرات آن‌ها ضرورت دارد تا مشخص شود که نظر کدامیک صحیح می‌باشد.

در رابطه با بینه باید گفت که علامه طباطبایی «بینه» را به معنای دلیل روشن و واضح دانسته و براساس آیات، حجت و آیت به معنای «بینه» آمده که به نوعی هم معنایی آن‌ها را می‌رساند؛ او «بینه» در آیه «**أَ فَمَنْ كانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّه**» را مطلق بصیرت الهی دانسته که بر نفس رسول(ص) نیز منطبق است[۱]. همچنین علامه درباره معنای «شاهد» معتقد است که مراد از شهادت در این آیه، ادای شاهد است نه تحمل آن؛ و مصداق آن کسی است که یقین به حجیت و حقانیت قرآن داشته باشند و انطباق «شاهد منه» در اینجا با تکیه بر روایاتی که هم خاصه و هم عامه قائل به آن هستند، امام علی(ع) است. علامه نظرات متعدد مفسران اهل‌سنت درباره «شاهد» را علاوه بر متناقض بودن با مصداق اصلی آن یعنی امیرالمومنین(ع)، در تعارض با یکدیگر نیز می‌داند که نمی‌توانند همه آن‌ها صحیح باشند. (طباطبایی، ۱۸۵/۱۰) باتوجه به روایات ذیل آیه که مرتبط با امیرالمومنین(ع) است و بیشتر از اهل سنت نقل شده‌است نظر علامه صحیح می‌باشد علاوه بر این تعدد مصادیق ذکر شده توسط

---

۱. صاحب بینه: پیامبر اکرم (ص) است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

اهل سنت و رشیدرضا که با هم تضاد هم دارند دلیل دیگری بر صحت نظر علامه می‌باشد. علاوه بر این عبارت «شاهد منه» به دلیل اینکه امیرالمومنین از جنس پیامبر(ص) است چه نسبی که از بنی هاشم است و چه اعتقادی و رفتاری که همه او را شبیه ترین فرد به پیامبر(ص) می‌دانند لذا باید برای شاهد منه مصداقی تعیین کرد و بی شک این مصداق امیرالمومنین(ع) است.

در مقابل رشیدرضا معنا و مفهوم «بینه» را داشتن حجت و دلیل از جانب خدا و تصمیم‌گیری با بصیرت در ایمان آوردن به خدا و دعوت به خدا دانسته‌است. و معتقد است بینه عبارت است از هر چیزی که به وسیله آن حق از باطل جدا می‌شود؛ می‌باشد. (رشیدرضا، ۵۲/۱۲) رشیدرضا همین معنای بینه را در مورد واژه‌ی مذکور در آیه ۱۷ سوره هود خاطر نشان می‌شود و تفاوتی بین آنها قائل نشده است. بیشترین تاکید وی بر روی ایمان بر قرآن است، البته با توجه به معنای بینه، ایمان از نوع یقینی و معرفت؛ و علمی که در آن هدایت و برهان است و در نهایت این قرآن با استنادات فوق، افترایی بیش نیست. (همانجا، ۵۶/۱۲) او روایات ناظر بر امیرالمومنین را نادیده گرفته و جعلی توسط شیعیان می‌داند در حالی که این روایات بیشتر در منابع اهل سنت وجود دارد و بسیاری از مفسران اهل سنت به صحت آن اذعان کرده‌اند بنابراین نظر رشید رضا درباره شاهد صحیح نمی‌باشد.

۶. نتایج مقاله

رشیدرضا سعی دارد، انتساب آیه‌ی ۱۷ سوره هود به حضرت علی (ع) را نادرست قلمداد کند، او مصداق «شاهد» را قرآن دانسته و در رد انطباق این واژه به امام علی (ع) استناد به روایتی بی اساس می‌کند، در مقابل علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» با ادله‌ای متقن؛ دلالت «شاهد» بر قرآن (که نظر رشیدرضا نیز هست) را رد کرده و با تکیه بر سیاق آیه و روایتی منقول از خاصه و عامه مصداق «شاهد» را، امام‌علی(ع) می‌داند. علامه طباطبایی «بینه» را به معنای دلیل روشن و واضح معنا کرده‌اند، اما مراد از مصداق «بینه» را

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

مطلق بصیرت الهی قلمداد نمـوده‌انـد؛ همچنـین او مـراد از «صـاحب بینـه» را منحصـر در پیامبر(ص) یا برخی صحابه ندانسته‌است چنانکه برخی مفسران اینگونه پنداشته‌اند.

رشیدرضا در المنار مصداق «بینه» را نور فطری و حجت عقلی دانسته و «صاحب بینـه» را عطف بر کسانی که در زندگی دنیایی خودشان فقط به لذات دنیوی پرداخته‌اند، می‌داند.

علت اختلاف دو مفسر را می‌توان در پیشینه و بستر معرفتی آنها و مبانی اعتقادی آن‌ها (شیعی – وهابی سلفی) دانست.

در مقاله حاضر با روش تطبیقی مصادیق «شاهد»، «بینه»، «صاحب بینه» و مهم‌تر از همـه ادله و دیدگاه‌های علامه طباطبایی و رشیدرضا، مورد بررسی قرار گرفت و به تفاوت‌هـا و شباهت‌های آن‌ها اشاره شد و در نهایت اثبات شد که نظر علامه طباطبایی از ادله متقن‌تری برخوردار است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. آلوسی، محمد بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، درالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق.

۳. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، عربستان، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.

۴. ابن المغازلی، مناقب امیرالمومنین علی بن ابی طالب، بی‌جا، دار الآثار صنعاء، ۱۴۲۴ق.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، الاعتقادات فی دین الامامیه، بیروت، دارالمفید لبنان، ۱۴۱۴ق.

۶. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضائل امیر المومنین، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۴۲۴ق.

۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.

۸. ابن میثم بحرانی، قواعد المرام فی علم الکلام، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۶.

۹. ابن‌جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ۴ جلد، دار الکتاب العربی – لبنان – بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۲۲ هـ‌ق.

۱۰. ابومخنف، لوط، مقتل الحسین، به کوشش حسن غفاری، قم، بی‌نا، ۱۳۹۸ق.

۱۱. ازهری، محمد، تهذیب اللغة، به کوشش ابراهیم ابیاری، قاهره، بی‌نا، ۱۹۶۷م.

۱۲. اسعدی، محمد، آسیب شناسی جریان‌های تفسیری، بی‌جا، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بی‌تا.

۱۳. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.

۱۴. اوسی، علی رمضان، روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، بی‌جا، سازمان تبلیغات اسلامی، بی‌تا.

۱۵. بابائی، علی‌اکبر، روش شناسی تفسیر قرآن، بی‌جا، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه(سمت)، ۱۳۹۲ش.

۱۶. همو، مکاتب تفسیری، بی‌جا، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت)، ۱۳۹۵.

۱۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه البعثه قسم الدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۵.

۱۸. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لباب التاویل فی معانی التنزیل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.

۱۹. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی،۱۴۲۰ق.

۲۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، ۵جلد، دار إحیاء التراث العربی – لبنان – بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۸ هـ‌ق.

۲۱. حسکانی، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، وزارة الثقافه و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۱.

۲۲. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷.

۲۳. حیدری، سید کمال، مدخل الی مناهج المعرفه، بی‌جا، دار فراقد الطبیه الثانیه، ۱۴۲۷.

۲۴. دژآباد، حامد؛ خداپرست، اعظم؛ مقاله«بررسی تطبیقی دیدگاه مفسران فریقین درباره‌ی مصداق شاهد هود۱۷»؛ پژوهشنامه ثقلین، شماره ۳، دوره ۱، پاییز ۱۳۹۳، صفحات ۴۹۸-۴۷۵.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]

۲۵. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، بی‌جا، دار الکتب الحدیثیه، ۱۳۹۶.
۲۶. رازی، فخر الدین ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار الشامیه – لبنان – بیروت، ۱۴۱۲.
۲۸. رشیدرضا، محمد، القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۴ق.
۲۹. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۴جلد، دار الکتاب العربی – لبنان – بیروت، ۱۴۰۴.
۳۰. سیاه منصوری، سید محمد؛ صادقی چهاردف، زهرا؛ مقاله «وجوه مختلف ادبی در عبارت آغازین آیه ۱۷ سوره هود و بازتاب آن در تفسیر عبارت شاهد منه»؛ تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۴، صفحات ۱۲۶-۱۰۱.
۳۱. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۳۲. شریف‌رضی، محمد، حقائق‌التأویل، به کوشش محمدرضاآل‌کاشف الغطا، بیروت، دارمهاجر، بی‌تا.
۳۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی‌تا.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان، به کوشش احمد حبیب قصیرعاملی، قم، دار الحیاءالتراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۳۷. عسکری، سیدمرتضی، عقاید الاسلام من القرآن الکریم، بی‌جا، مجمع جهانی اهل بیت، ۱۴۰۰.
۳۸. غرناطی الکلبی، محمد بن احمد بن محمود، التهیل لعلوم التنزیل، لبنان، دار الکتب العربی، ۱۴۰۳.
۳۹. غنامی، سعید، نوآوری‌های علامه طباطبایی در تفسیر المیزان،ترجمه سید حسن عابدیان، کوثر معارف، شماره ۷، پاییز ۸۷، ص ۶۴-۳۷.
۴۰. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۴۱۵ق.
۴۱. قندوزی حنفی، ینابع الموده بذوی القربی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۴۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران، موسسه الطبع و النشر فی وزاره الارشاد الاسلامیه، ۱۴۱۰.
۴۴. مشکور، محمدجواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۷ش.
۴۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش و ۱۳۶۰ش.
۴۶. مظفر، شیخ محمدرضا، عقاید الامامیه، قم، انتشارات انصاریان، بی‌تا.
۴۷. معرفت، محمدهادی، تفسیر و المفسران، قم، انتشارات تمهید، ۱۳۹۰.
۴۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، النکت الاعتقادیه، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴.
۴۹. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، دار إحیاء التراث العربی – لبنان – بیروت، ۱۴۲۳.
۵۰. نصربن مزاحم، وقعة صفین، به کوشش عبدالسلام محمدهارون، قاهره، بی‌نا، ۱۳۸۲ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-29]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.19.40.10.6]